

**درباره زندگی رفیق
خلیل سلماسی نژاد**

چریک فدائی خلق رفیق خلیل سلماسی نژاد کمونیست آگاهی بود که پس از این که بنیانگذاران چریک‌های فدائی خلق با بررسی شرایط عینی جامعه و تحلیل تجربیات مبارزاتی مردم به ضرورت مبارزه مسلحانه به مثابه هم استراتژی و هم تاکتیک رسیدند، با همه وجود این راه را پذیرفت و همه وجودش را صرف پیشبرد آن نمود.

به دلیل شرایط مبارزه در زیر سلطه دیکتاتوری عریان رژیم شاه هیچ رفیقی از نام اصلی این رزمنده کمونیست اطلاعی نداشت چون رفیقی که او را به سازمان معرفی کرده بود یعنی رفیق جواد سلاخی در درگیری خیابانی با نیروهای سرکوب شاه به شهادت رسیده بود و به دشمن امکان دسترسی به اسرار خلق را نداده بود. به همین دلیل هم همه رفقا او را با نام مستعارش می شناختند و وی را به یاد کارگر قهرمان ویتنامی "وان تروی" صدا می کردند. چرا که رفیق خلیل در آن زمان در میان رفقای سازمان به کارگر کمونیستی معروف بود که معتقد بود: "آدمی با سر افراشته باید بزید، و سر افراشته باید میرد، و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش، و نهد در ره آزادی خلق، همه هستی خویش". به همین دلیل هم بود که همه یاران رفیق خلیل بدون دانستن نام اصلی این رفیق، وی را به مثابه کمونیستی می شناختند که جان در راه آزادی و سوسیالیسم گذاشته بود.

رفیق خلیل از جمله رفقای بود که در اولین تیم های نظامی گروه، سازمان داده شد. او یکی از اعضای تیم عملیاتی بود که با مسئولیت رفیق مسعود احمدزاده، عملیات حمله به کلانتری قلهک را در ۱۶ فروردین سال ۵۰ با موفقیت به پیش بردند. یکی دیگر از فعالیت های رفیق خلیل تبلیغ ضرورت مبارزه مسلحانه در چهارچوب

**تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت فولاد
در مقابل مجلس!**

روز دوشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، بازنشستگان صنعت فولاد در دومین روز تجمع خود همانند روز گذشته (یکشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۵)، مقابل درب جنوبی مجلس تجمع اعتراضی بر پا کردند. به گزارش ایلا، این عده که از نقاط مختلف کشور برای پیگیری مطالبات خود "عدم پرداخت کامل حقوق اسفند ماه ۹۴ و مشکلات بیمه خدمات درمانی خود که از یک سال و نیم پیش به بخش خصوصی واگذار شده" معترض و مقابل مجلس شورای اسلامی گرد آمده‌اند، شب گذشته را در تهران سپری کردند. به گزارش خبرگزاری مهر: معترضان یکشنبه شب با هماهنگی یکی از نمایندگان، در خوابگاه های شرکت دخانیات ساماندهی شده بودند. بر اساس گزارش دیگری، یکی از بازنشستگان گفته است: سال گذشته (۹۴) با مذاکراتی که با نمایندگان دولت داشتیم قرار شد ۲ هزار پانصد میلیارد تومان برای پرداخت حقوق سال ۹۵ بیش از ۸۵ هزار نفر از بازنشستگان فولاد، اختصاص یابد. اما دو هفته پیش کمیسیون تلفیق مجلس فقط پرداخت هزار و هشتصد میلیارد تومان از آن را تصویب کرد. این بازنشسته فولاد در خصوص مشکلات بیمه خدمات درمانی بازنشستگان فولاد، بیمه درمانی بازنشستگان فولاد را به بخش خصوصی واگذار کرد. مشکلاتی عدیده‌ای از یک سال و نیم گذشته، برای بازنشستگان فولاد پیش آمد.

اعتراض بازنشستگان صنعت فولاد به رای کمیسیون تلفیق مجلس و عدم پرداخت معوقات حقوقی روز سه شنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، برای سومین روز متوالی مقابل مجلس شورای اسلامی ادامه یافت. یکی از تجمع‌کنندگان در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم گفت: برخی از بازنشستگان صنعت فولاد کشور در پی تجمعات پی‌درپی در مقابل مجلس، به دلیل نداشتن مکان مناسب برای استراحت، شب‌ها در محوطه روبروی درب شرقی مجلس، می‌خوابند.



سر سخن:

**جمهوری اسلامی
و معضل بیکاری!**

رشد روز افزون بحران در نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر کشور، امری نیست که از چشم هیچ کارگری پوشیده مانده باشد. طبقه کارگر ما سال هاست که با عوارض زبان بار این بحران دست به گریبان است و نتایج مرگ بارش را روزانه با پوست و گوشت خود لمس کرده و می کند. تورم و رکود توأمان از خود ویژگی های بحران موجود می باشد و این ها واقعیت هائی هستند که اثرات خود را در زندگی روزانه کارگران به وضوح نشان می دهند. در رابطه با تورم، هر کارگری با چندرغاز دستمزدی که می گیرد وقتی برای تهیه مایحتاج زندگی خود و خانواده اش به بازار می رود دردناکی افزایش روزمره قیمت کالا ها را به عین احساس می کند و ناتوانی خود در تهیه همه نیازمندی های اساسی اش را فوراً متوجه می گردد. از سوی دیگر رکود فزاینده باعث کند شدن و یا توقف تولید و سلب امنیت شغلی کارگران گشته است، چرا که در شرایط رکود، امنیت شغلی کارگران به سهولت پایمال آزمندی سرمایه داران گشته و اخراج کارگران به صورت فزاینده ای افزایش می یابد. چنین است که به خصوص در سال های اخیر به ندرت کارگری را می توان یافت که چوب اخراج را نخورده و یا اثرات وخیم آن را در رابطه با همکارانش تجربه نکرده باشد. امروز رکود در اقتصاد ایران چنان عمقی پیدا نموده است که خبر تعطیل شدن این یا آن کارخانه و اخراج تعدادی از کارگران به طور مستمر هر روز شنیده می شود و کار به جایی رسیده است که وجود میلیون ها بیکار - که بخش بزرگی از آن ها هم در سنین جوانی به سر می برند - یکی از مشخصه های جامعه ما را شکل می دهد. به واقع امروز به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد کشور، بیکاری به

ادامه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی و معضل ...

از صفحه ۱

یکی از معضلات بزرگ طبقه کارگر در شرایط کنونی تبدیل شده و جامعه با سیلی از بیکارانی روبروست که در حال نبرد با گرسنگی و محرومیت بوده و می کوشند به هر طریقی از برزخ بیکاری رهائی یابند.

وجود ارتشی از بیکاران که مارکس اندیشمند طبقه کارگر با تحلیل داهیانہ اش از قانونمندی های حاکم بر نظام سرمایه داری آن را "ذاتی" این نظام تعریف کرده است، در سال های اخیر چنان ابعاد وسیعی به خود گرفته است که حتی بخش هایی از طبقه حاکمه را به وحشت انداخته و آن ها هر روز نسبت به رشد روز افزون بیکاری و فشرده شده صفوف ارتش بیکاران هشدار داده و اعتراف می کنند که ابعاد بیکاری به مرحله "بحرانی" رسیده است. اما باید دانست که این هشدارها به معنای آن نیست که جمهوری اسلامی برای مقابله با این معضل راه حلی در چپته دارد.

مهمترین راه حل دولت روحانی برای مقابله با بیکاری مذاکرات هسته ای و تبلیغ روی رفع تحریم ها بود و هست. بر اساس تبلیغات این دولت قرار بود با لغو تحریم ها گشایشی در کار مقابله با بیکاری حاصل شود. اما کارگران به عینه دیدند که توافق هسته ای در بطن موجی از تبلیغات فریبکارانه انجام شد و به دنبال آن تحریم ها لغو گشت اما هیچ تغییری در ابعاد بیکاری ایجاد نشد. در این فاصله ده ها هیئت خارجی به ایران آمدند و خبر انعقاد صدها قرار داد در رسانه های جمهوری اسلامی درج شد اما نه تنها هیچ گشایشی در امر مقابله با بیکاری رخ نداد بلکه برعکس در این فاصله، بیکاری ابعاد بیشتری هم پیدا کرد. اگر چه خود جریان زندگی دردناک کارگران و ابعاد بی سابقه بیکاری، امروز در جامعه ایران امری غیر قابل انکار می باشد ولی دولت روحانی از رواج تبلیغات دروغین جهت لاپوشانی واقعیت فوق دست برداشته و از ایجاد فرصت های شغلی جدید دم می زند. بر اساس این تبلیغات، دولت مشاغل تازه ای ایجاد نموده است. ولی محدود

مشاغلی که دولت مدعی است ایجاد شده نه پاسخگوی حجم اخراج های وسیع نیروی کار است و نه با نیاز های نیروی جوان جوئی کار که تازه وارد بازار کار می شود انطباق دارد. به همین خاطر است که صفوف ارتش ذخیره کار در ایران هر روز وسیع تر و گسترده تر می گردد. خود روحانی، رئیس جمهور فریبکار جمهوری اسلامی مدعی

وابستگی نظام حاکم به نظام امپریالیستی و سیاست های ضد خلقی طبقه حاکم در پیروی از نیاز های سرمایه داری جهانی، عامل مهمی ست که در گسترش هر چه بیشتر بحران بیکاری در ایران نقش ایفا می کند. همه می دانند که در طول ۳۷ سال حاکمیت این رژیم و بویژه در سال های اخیر، دولت های بر سر کار هر یک با سرعت و شتاب تردید ناپذیری، اقتصاد وابسته ایران را در ریلی انداخته اند که پاسخگوی نیازهای انحصارات امپریالیستی است. اگر مثلاً در دوره شاه کارخانجات مونتاز بر اساس نیاز امپریالیست ها جهت گسترش صنایع شان یکی پس از دیگری به وجود می آمد، حال در رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مدت های مدیدی است که سیاست تبدیل ایران به یک بازار عمده برای واردات کالاهای بنجل انحصارات امپریالیستی در سطح هر چه وسیع تر در دستور کار دولت های این رژیم قرار گرفته است. در این ریل و بر مبنای این سیاست، واردات در چنان ابعاد بی رویه ای صورت می گیرد که به شدت و به طور وسیع و گسترده باعث تعطیلی مراکز کار گشته است. در نتیجه این روند، امروز نابودی فرصت های شغلی در بخش های کشاورزی و صنعت سرعت هر چه فزون تری یافته و از جمله به بیکاری و خانه خرابی کشاورزان محروم (چای کاران شمال) و کارگران شاغل در بخش های تولیدی (صنعت نساجی) منجر شده است.

است که در دوران ریاست جمهوری وی ۱/۱ میلیون شغل ایجاد شده است. علاوه بر این که خود زندگی و فشرده شدن روزمره صفوف بیکاران غیر واقعی بودن چنین آماری را فریاد می زند، این آمارسازی دروغین در شرایطی مطرح شده است که به گزارش خبرگزاری مهر، حتی خود اقتصاد دانان رژیم هم مدعی اند "تا رشد مثبت اقتصادی اتفاق نیفتد، نمی توان انتظار اشتغال جدید را داشت" و واقعیت این است که این اقتصاد دانان مدعی نیستند که رشد مثبتی در اقتصاد کشور رخ داده است. اقتصاد دانان رژیم بر اساس همین گزارش می گویند "اگر یک درصد رشد مثبت اقتصادی داشته باشیم احتمالاً ۱۰۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است." بنابراین بر اساس نظر اقتصاد دانان خود رژیم، بی پایه بودن ادعای روحانی مبنی بر ایجاد ۱/۱ میلیون شغل در طی ریاست جمهوری اش آشکار است. اگر ادعای روحانی درست بود حال بر مبنای ۱۰۰ هزار شغل در ازای یک درصد رشد مثبت، اقتصاد کشور می بایست شاهد رشدی بزرگ می بود. در حالی که اثری از رشد اقتصادی دیده نشده و نمی شود. این واقعیت را تعطیلی روزافزون واحد های اقتصادی و بیکاری فزاینده که از

مشخصه های اوضاع کنونی است به روشنی اثبات می کند.

همین چند روز پیش (بیستم فروردین ۹۵) بود که با تعطیلی ۳ واحد نساجی با ۴۰ سال سابقه فعالیت در مشهد، حدود ۱۲۰۰ کارگر باسابقه بیکار شدند. بر اساس خبری دیگر که در ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵ منعکس شده است،

کارفرمای کارخانه نساجی بوجود با ادعای رکود بازار فروش محصولات، ۵۰۰ کارگر این کارخانه را از کارگر اخراج نمود. اتفاقاً در همین روز استاندار سمنان در شورای اداری استان اعلام کرد: "آمار صحیح واحدهای تولیدی و صنعتی استان سمنان، یک هزار و ۷۹۲ واحد (است) که از این بین بیش از ۶۲۱ واحد به علت مشکلات اقتصادی تعطیل شده اند و بقیه نیز با متوسط ظرفیت ۳۷ درصد فعالیت می کنند." همه این واقعیات، کذب تبلیغات روحانی و دولت وی مبنی بر مقابله با معضل بیکاری را آشکار ساخته و نشان می دهد که این دولت هم همانند بقیه دولت ها در جمهوری اسلامی راهی برای فائق آمدن بر بیکاری در چپته ندارد.

واقعیت این است که بیکاری ذاتی نظام سرمایه داری است که در شرایط رکود،

ابعاد هر چه وسیع تری هم پیدا می کند. چنین شرایطی به کارفرما ها امکان می دهد تا جایی که می توانند شیره جان کارگران را زالو وار حتی دو چندان بیشتر از مواقع دیگر بکشند. در این جا به این نکته هم باید توجه کرد که علاوه بر امر فوق، واقعیت وابستگی نظام حاکم به نظام امپریالیستی و سیاست های ضد خلقی طبقه حاکم در پیروی از نیاز های سرمایه داری جهانی، عامل مهمی ست که در گسترش هر چه بیشتر بحران بیکاری در ایران نقش ایفا می کند. همه می دانند که در طول ۳۷ سال حاکمیت این رژیم و بویژه در سال های اخیر، دولت های بر سر کار هر یک با سرعت و شتاب تردید ناپذیری، اقتصاد وابسته ایران را در ریلی انداخته اند که پاسخگوی نیازهای انحصارات امپریالیستی است. اگر مثلاً در دوره شاه کارخانجات مونتاز بر اساس نیاز امپریالیست ها جهت گسترش صنایع شان یکی پس از دیگری به وجود می آمد، حال در رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مدت های مدیدی است که سیاست تبدیل ایران به یک بازار عمده برای واردات کالاهای بنجل انحصارات امپریالیستی

در سطح هر چه وسیع تر در دستور کار دولت های این رژیم قرار گرفته است. در این ریل و بر مبنای این سیاست، واردات در چنان ابعاد بی رویه ای صورت می گیرد که به شدت و به طور وسیع و گسترده باعث تعطیلی مراکز کار گشته است. در نتیجه این روند، امروز نابودی فرصت های شغلی در بخش های کشاورزی و صنعت سرعت هر چه فزون تری یافته و از جمله به بیکاری و خانه خرابی کشاورزان محروم (چای کاران شمال) و کارگران شاغل در بخش های تولیدی (صنعت نساجی) منجر شده است. کارگران ما امروز بیش از هر وقت دیگر به تجربه در می یابند که تا نظام اقتصادی موجود یعنی نظام سرمایه داری وابسته با بحران های ساختاری اش بر جامعه ایران حاکم است، و تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به مثابه حافظ و مدافع این نظام بر سر کار است، در به همان پائینه ای خواهد چرخید که امروز می چرخد. در این نظام هر چقدر هم دولت هائی چون دولت فریبکار روحانی به کارگران وعده بهبود شرایط زندگی شان را بدهند، تغییری واقعی در زندگی مصیبت بار آن ها به وجود نخواهد آمد. به واقع از امام زاده جمهوری اسلامی آبی برای آن ها گرم نخواهد شد.

در این نظام حق کار برای کارگران با وضوح تمام پایمال منافع سرمایه داران زالوصفت می گردد. در جمع بندی از همین تجارب است که کمونیست ها همواره تاکید دارند که تنها با نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری است که امکان مقابله واقعی با معضل بیکاری و ایجاد شرایطی که هر کس از حق کار برخوردار باشد مهیا می گردد. جهت پاسخ به چنین مطالباتی است که مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری در ایران باید سمت اصلی مبارزات طبقه کارگر را شکل دهد.

وضعیت یافته و در حال حاضر تحت عنوان ۲۴۳۰ شاغل هستند، ناراضی هستیم.

کارگران معترض می گویند: در پی این تجمع اعتراضی روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵، تعدادی از کارگران شاغل در معادن مجتمع مس "میدوک" بازداشت شده اند. بازداشت شدگان که شمار آن ها دست کم ۱۵ نفر گزارش شده است، از جمله کارگرانی هستند که از طریق سه شرکت پیمانکاری "مبین"، "چاه فیروز" و "اولنگ" در معادن مس مجتمع میدوک مشغول کارند. دستگاه قضایی براساس شکایتی که از سوی کارفرما مطرح شده است حکم بازداشت این کارگران را صادر کرده است. بر اساس گزارش دیگری: شب سه شنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۵، تمامی کارگران بازداشت شده مجتمع مس میدوک شهرابک با سپردن تعهد و قرار وثیقه آزاد شدند.

اما از آن جا که کارفرمای این شرکت باز هم به وعده های خود به کارگران معترض عمل نکرد اعتراضات و تجمعات

از صفحه ۱

در باره زندگی رفیق خلیل سلماسی نژاد...

برنامه های تیم رفیق احمدزاده بود. از جمله پخش ۱۳ اعلامیه ای که در فروردین ماه سال ۵۰ از سوی چریکهای فدائی خلق تکثیر شد و برای اولین بار رفقای تشکیلات، در این اعلامیه ها خود را با نام چریکهای فدائی خلق در سطح جنبش معرفی نمودند. رفیق خلیل از جمله رفقای بود که در آن سال و در شرایط سخت پلیسی حاکم این اعلامیه ها را در محیط هایی نظیر هنرسرای عالی نارمک پخش کرد.

رفیق خلیل در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ و در شرایطی که رفقا تصمیم گرفته بودند موجودی بانک ملی شعبه آینهپور در تهران را مصادره کنند مشغول تهیه کوکتل مولوتف برای این عملیات بود که متأسفانه بر اثر انفجار کوکتل در دستانش دچار سوختگی شدید شد. شدت سوختگی به حدی بود که رفقا مجبور شدند رفیق را به بیمارستان سینا منتقل کنند. اما چون معالجات موثر واقع نشده بود، رفقای دکتر سازمان، رفقا چنگیز قبادی و اسدالله مفتاحی پیشنهاد دادند که رفیق خلیل را به بیمارستان خصوصی منتقل کنند که این امر با توجه به شرایط امنیتی آن زمان و این واقعیت که رفیق خلیل با نام مستعار سیروس افخمی نژاد در بیمارستان بستری شده بود کار بسیار خطرناک و مشکلی بود. اما این مهم به پشتکار رفقا به هر حال انجام شد. متأسفانه تغییر بیمارستان هم سلامت رفیق را به وی باز نگرداند و رفیق خلیل دوست داشتنی که در میان یارانش به نام "وان تروی" شناخته می شد در حالی که همچون "وان تروی" تمام تنش "آتش بی پایان بود" بر اثر جراحات وارده در بیمارستان جان باخت و با خونش درخت انقلاب را آبیاری نمود.

به دنبال شهادت رفیق خلیل در اردیبهشت سال ۵۰ چون هیچ رفیقی نام اصلی او را نمی دانست برای چریکهای فدائی امکان نداشت که خانواده رفیق را از این اتفاق دردناک مطلع سازند. امری که دردناکی حادثه را دو چندان می ساخت. تجربه زندگی پر بار انقلابی و مرگ دردناک رفیق خلیل سلماسی نژاد به مثابه کمونیست آگاهی که برای برقراری یک دنیای عاری از ظلم و استثمار پرچم طبقه خویش را به دست گرفت، برگه از صفحات تاریخ پر افتخار مبارزات کمونیست های چریک فدایی را رقم زد. یاد و راه این رفیق پاکباخته همواره در قلب کارگران و خلق های تحت ستم ما باقی خواهد ماند!

یادش گرمی و راهش پر رهرو باد!



توضیح در مورد نام رفیق قنبر پیشدست:

به دنبال درج گوشه ای از زندگی رفیق قنبر پیشدست، در ماهنامه کارگری شاه ۲۶ (اسفند ماه ۱۳۹۴) رفیقی تذکر داد که گرچه همه دوستان و رفقای رفیق قنبر، وی را با همین نام می شناختند و خطاب می کردند اما نام شناسنامه ای وی محمد می باشد. ضمن تشکر از این رفیق، در بازنویسی زندگی نامه رفیق قنبر (محمد) پیشدست این واقعیت حتما در نظر گرفته خواهد شد.

اولین تجمع کارگری سال ۹۵

در شهرابک رقم خورد!



بر اساس گزارش "بابک خبر"، صبح روز یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگران چند شرکت اقماری مقابل درب ورودی مجتمع میدوک شهرابک دست به تجمع زدند. کارگران شرکت های مبین، اولنگ و چاه فیروزه که از عدم برابری حقوق خود با دیگر کارگران مس ناراضی

هم چنین در اعتراض به نوع قرارداد کار، مقابل این واحد معدنی تجمع کردند. بر اساس این گزارش: علاوه بر تعویق حدود ۳ ماه دستمزد ۳۰۰ کارگر این واحد معدنی، کارگران به نوع قرارداد کاری "قرارداد های کوتاه مدت ۳ ماهه"، که کارفرما در سال جاری (۹۵)، با آنان منعقد کرده است، معترضند. گزارش در خاتمه به نقل از کارگران می افزاید: کارگران این واحد معدنی از حداقل های مزدی محرومند و آن چه به عنوان حقوق ماهانه از کارفرما دریافت می کنند، نیاز های معیشتی آنان را تامین نمی کند. هم چنین گفته می شود، کارفرمای معدن، به بهانه برای رهایی از هزینه های جاری معدن، قصد تعدیل تعدادی از کارگران را دارد. که این موضوع باعث نگرانی آنان شده است.

به دنبال انتشار این خبر مدیر عامل فریب کار این شرکت اعتراضات کارگران را تکذیب کرده و مدعی شد که: "اصلاً" تجمعی صورت نپذیرفته و فقط جلسه ای با حضور ریاست محترم اداره کار شهرستان طبس، نماینده شرکت زغال سنگ پروده طبس، چند تن از نمایندگان کارگران شرکت و مدیرعامل و مدیر مالی شرکت الماس مته شمال در محل استراحتگاه کارگران برگزار گردید که موضوع آن چگونگی افزایش حقوق سال ۱۳۹۵ و نحوه بستن قرارداد کار بود، نه تجمع و اعتراض به عدم پرداخت حقوق."، که در واقع بیان تکذیبیه فوق خود تأییدی است بر اعتراضات کارگری در این معدن.

اخراج کارگر مبتلا به بیماری شغلی در پی اتمام قرارداد کاریش!



به گزارش روز سه شنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۵ ایلنا: سرانجام کارگری که به دلیل ابتلا به بیماری شغلی از فعالیت روزانه خود در کارخانه سیمان دشتستان باز مانده بود، به دلیل اتمام قرار داد کارش، اخراج شد.

وی یک کارگر پیمانکاری سیمان دشتستان است و بیش از دو سال است به علت آلودگی و گرد و غبار محیط کارخانه، به بیماری پوستی مبتلاست. اکنون پس از ۹ سال، قرارداد کارش دیگر تمدید نشده است. این کارگر داستان بیماری و بیکاری و نگرانی این روزهای خود را این گونه روایت می کند: این هفته بعد از روزهای متوالی که در نگرانی به سر می بردم، به مدیریت شرکت پیمانکاری مراجعه کردم که پاسخ مدیران شرکت مبنی بر این بود که اخراج شدم و قرار نیست دیگر قرارداد من را تمدید کنند. این حرف آخرین ضربه کاری را به من وارد کرد.

کنند. کارگران نساجی بروجرد که تا کنون چندین بار در مقابل این کارخانه تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف خود شده بودند این بار وارد کارخانه شدند و در اوج نگرانی خواستار رفع این مشکل شدند. طبق گفته ها و شنیده ها، این حرکت کارگران حدود دو ساعت طول کشید و طی آن شیشه های واحد نگهداری این کارخانه شکسته شد و تعدادی از این کارگران وارد سالن های تولید شدند و حتی برای تعیین تکلیف جلوتر رفتند.

البته بعد از اتمام این ماجرا و خونسردی برخی از مسئولین و اندرز دادن به کارگران که باز هم صبر کنید، این ماجرا پایان یافت. و حتی برخی از مسئولین شکستن شیشه های واحد نگهداری را به دلیل محکم بسته شدن در این واحد عنوان کردند، نه به دلیل اعتراض کارگران.

اعتراضات ۶۰۰ کارگر بخش خدماتی مجتمع آلومینیوم در هرمزگان!



صبح روز شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگران معترض این مجتمع با اعلام خبر تجمع خود، اظهار داشتند: ما حدود ۶۰۰ کارگر در بخش خدماتی مجتمع آلومینیوم المهدی هرمزگان هستیم که به کارهای خدماتی همانند نگهداری از فضای سبز، آبدارخانه، نظافت و غیره، تحت مسئولیت پیمانکار با ۲ تا ۱۵ سال سابقه، مشغول کار هستیم. کارفرمای بخش خصوصی مجتمع، که تقریباً از یک سال پیش مدیریت این واحد را بر عهده گرفته است، بعد از پایان سال ۹۴، که موعد قرارداد کار پیمانکار بخش خدمات خاتمه یافت، بر آن شد تا به همکاری خود با کارگرانی که تحت استخدام پیمانکار سابق بوده اند، خاتمه دهد. این گزارش در ادامه می افزاید: در مجتمع آلومینیوم المهدی حدود ۲۴۰۰ کارگر مشغول کارند. که از این تعداد حدود ۶۰۰ نفر در بخش خدمات فعالند و از قرار معلوم کارگران خدماتی علاوه بر آن که در سال جدید وضعیت شغلی مشخصی ندارند، دستمزد اسفند ماه ۹۴ و عیدی آخر سال هم به آن ها پرداخت نشده است.

کارگران شرکت معدنی الماس مته در طبس تجمع اعتراضی بر پا کردند!

صبح روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگرانی که به واسطه شرکت پیمانکاری الماس مته، به کار استخراج زغال سنگ در منطقه معدنی پروده طبس اشتغال دارند، به دلیل پرداخت نشدن بخشی از مطالبات مزدی خود و

کارگری ادامه یافت. سرانجام روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگران معترض اعلام کردند که براساس تصمیمی که به اتفاق اکثریت کارگران گرفته شد همه کارگران از عصر روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، به فعالیت سابق خود در مجتمع مس میدوک بازگشته اند. این کارگران می گویند: این تصمیم را در اجتماع مشترکی که روز گذشته در یکی از اماکن عمومی شهر بایک برگزار کرده بودند براساس وعده هایی که کارفرما برای رسیدگی به خواسته های آن ها داده است، اتخاذ کرده اند. از سوی دیگر به گزارش خبرنگار سایت "بایک خبر"، فرماندار شهر بایک، صبح روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، گفت: ما در شورای تأمین شهرستان از حقوق کارگران دفاع کرده و خواهیم کرد، لذا نمی گذاریم حقی از کسی ضایع شود، اما اجازه زیاده خواهی نیز به کسی نخواهیم داد. فرماندار در ادامه سخنانش گفت: "در رابطه با تحصنات اخیر در چند شرکت اقماری مس میدوک، با مرکز استان مکاتباتی صورت گرفته است که در صورت عدم بازگشت نیروهای سابق به کار، شرکت های پیمانکاری نیروی جدید جایگزین خواهند کرد. لذا اجازه نخواهیم داد تولید تعطیل شود".

صبر کارگران بیکار شده نساجی بروجرد لبریز شد!

بر اساس اطلاع رسانی تعدادی از کارگران کارخانه نساجی بروجرد به تاریخ یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، در این واحد تولیدی حدود ۱۰۰۰ کارگر مشغول به کار هستند که از فروردین ماه سال جاری (۱۳۹۵) به دلیل آن چه از سوی کارفرما رکود بازار فروش محصولات عنوان شده است، تعداد ۵۰۰ کارگر این کارخانه با میانگین سوابق کار ۱۰ سال پس از خاتمه قرارداد موقت از کارشان اخراج شده اند. این کارگران می گویند: کارفرما مدعی است کارخانه در زمینه فروش محصولات تولیدی خود دچار مشکل شده است و به همین دلیل برای کاهش هزینه های جاری کارخانه در مرحله نخست نیمی از کارگران کارخانه را اخراج کرده است.

در ادامه این خبر روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۵ سایت بازتاب بروجرد گزارش داد که: در سال جاری (۱۳۹۵) قرارداد ۵۰۰ کارگر نساجی بروجرد لغو شد و این کارگران در بلا تکلیفی به سر می برند. به طوری که بین بازگشت به کار و دریافت بیمه بیکاری، معلق مانده اند. از یک سو اداره کار بروجرد بعد از ۲۳ روز از لغو قراردادهای تازه خبر داده که زیر بار تعدیل نیرو در نساجی بروجرد نمی رویم! و از سوی دیگر کارگران هنوز امیدی به بازگشت به سر کار ندارند. در حالی که هنوز هم خبری از برقراری بیمه بیکاری آن ها نیست.

بعد از گذشت حدود یک ماه، این کارگران هم چنان بلا تکلیف هستند تا این که کاسه صبر این کارگران از کار بیکار شده سرانجام لبریز شد و خود وارد عمل شدند. آن ها تصمیم گرفتند که اعتراضات خود را به شکل دیگر بیان

سیم پوش به صورت یک جا اخراج می شوند. ۶۴ نفر نیز در ماه گذشته بدون هیچ دلیل روشن و قانع کننده ای اخراج شده بودند که پیگیری های آن ها تا به امروز بی نتیجه مانده است. مدیر عامل این شرکت دلیل اخراج کارگران را عدم سود دهی شرکت و تصمیم بر انتقال آن به تهران عنوان کرده است.

سالانه بیش از ۱۴۰۰ نفر بر اثر حوادث کار و ۶ برابر این رقم نیز بر اثر بیماری های شغلی جان خود را از دست می دهند!



در تازه ترین گزارش پیرامون وضعیت ایمنی در محیط های کاری و بنگاه های کشور، معاون روابط کار وزارت کار اعلام کرد: "سالانه بیش از ۱،۴۰۰ نفر در کشور بر اثر حوادث فیزیکی ناشی از کار جان خود را از دست می دهند، ۶ برابر این رقم نیز آمار مرگ های ناشی از بیماری های شغلی است که گریبان نیروی کار را گرفته است. ۳۳/۸ درصد موارد مرگ و میر ناشی از حوادث کار در بخش صنعت ساختمان اتفاق می افتد."

در پی تعطیلی کلیه خطوط تولید کاشی ایرانا، ۳۸۰ کارگر قراردادی این کارخانه اخراج شدند!

کارگران کارخانه کاشی و سرامیک ایرانا، روز یکشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۵، با اعلام این خبر و با اشاره به تصمیم مدیران این کارخانه برای تعطیلی خطوط تولید اظهار داشتند: مدیران کارخانه مدعی اند که به دلیل افزایش هزینه های تولید، علی رغم تعدیل ۳۸۰ نفر از کارگران قراردادی که کارخانه توان پرداخت دستمزد آنها را نداشته، تصمیم گرفته اند که از ۱۵ اسفند ماه سال ۹۴، کلیه خطوط تولید کارخانه را تعطیل کنند. به گفته این کارگران تا اسفند سال ۹۳ بیشتر از ۶۰۰ کارگر قراردادی و رسمی در این واحد صنعتی مشغول فعالیت بودند. این در حالی است که از زمان تعطیلی خطوط تولید، تنها کارگران ستادی که تعداد آن ها در حدود ۲۰۰ نفر است، مشغول کارند. و چون از این تعداد قرارداد ۸۲ کارگر تنها تا پایان اردیبهشت ماه سال جاری (۹۵)، اعتبار دارد. معلوم نیست که بعد از زمان تعیین شده وضعیت استخدامی آن ها چگونه خواهد بود.

تجمعات کارگران معدن و پیگیری مطالبات مزدی، در دوم اسفند ماه جلسه ویژه ای در استانداری استان کرمان با حضور مسئولین استان و شهرستان کوهبنان و کارفرمای معدن برگزار شد. کارفرما متعهد شد، در سه مرحله مطالبات کارگران را به حساب آن ها واریز کند، و زمینه را برای بازگشایی معدن در ابتدای اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ فراهم کند. در این گزارش به نقل از این کارگر معترض آمده است که تجمع امروز کارگران معترض، به علت عمل نکردن کارفرمای معدن چشمه پودنه به تعهدات خود، از جمله پرداخت مطالبات کارگران و بازگشایی معدن است.

در پی تعطیلی کارخانه لوازم خانگی ارج، ۲۰۰ کارگر با سابقه این کارخانه بیکار شدند!

بر اساس گزارشی به تاریخ دوشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، خط تولید لوازم خانگی ارج از ابتدای سال جدید (۹۵)، تعطیل شد. به این ترتیب حدود ۲۰۰ کارگر با سابقه این کارخانه به بیمه بیکاری معرفی شده اند. این گزارش می افزاید: این برند قدیمی لوازم خانگی که دیر زمانی از سال های اوجش در دهه های ۵۰ و ۶۰ نمی گذرد، ماه هاست که نفس های آخرش را می کشد، و این روزها کارگران متخصص و با سابقه این کارخانه در صف دریافت بیمه بیکاری ایستاده اند، و در انتظار نوبت به سر می برند. یکی از کارگران این کارخانه می گوید: با حدود ۲۰۰ کارگر با سابقه، در بهمن و اسفند سال ۹۴، تسویه حساب شده است. که فقط حدود نیمی از آن ها توانسته اند بیمه بیکاری بگیرند. و دیگران هم چنان مشغول کاغذبازی و رفت و آمد به سازمان تامین اجتماعی هستند. این کارگر که نزدیک ده سال سابقه کار فنی در خط تولید ارج دارد وضعیت کارخانه را این گونه توصیف می کند: خط تولید این واحد تولیدی متوقف شده است و از آن همه کارگر شاغل در آن کارخانه بزرگ قدیمی، فقط حدود ۶۰ نفر کادر اداری باقی مانده اند. بیشتر اداری ها هم، کارگرانی هستند که قرار است به زودی بازنشسته شوند.

اخراج ۶۰ کارگر زن و ۲۴ کارگر مرد کارخانه سازه سیم پوش در کلبیر!

روز جمعه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۴، اوایل نیوز گزارش داد که در روزهای دوشنبه و سه شنبه ۲۴ و ۲۵ اسفند ماه ۹۴، تعداد ۸۴ نفر از کارگران کارخانه سازه سیم پوش در شهرستان کلبیر از طرف مدیرعامل اخراج شده اند. ۶۰ نفر از کارگران اخراج شده زن و ۲۴ نفر دیگر هم مرد بوده اند. بر اساس این گزارش اغلب کارگران اخراجی متاهل بوده اند، که اخراج آن ها در فاصله چند روز مانده به عید تاثیر خیلی بدی روی وضعیت خانواده های شان داشته است. در ادامه گزارش آمده است که: طی ماه های گذشته این دومین بار است که تعداد زیادی از کارگران شرکت سازه

من به خاطر بیماری اخراج شدم و جالب این جاست که کارفرما به من گفت می توانی به هرجایی که خواستی مراجعه کنی و یا به اداره کار شکایت کنی، اما بدان که قراردادت تمدید نمی شود.

کارگر مزبور از سابقه بیماری خود این طور می گوید: "من بیش از دو سال است که به دلیل آلودگی محیط کار به بیماری پوستی مبتلا شده ام. بازرسان ایمنی و بهداشت کار بارها بیماری شغلی من را تایید کردند و از کارفرما خواستند که من را به بخش دیگری منتقل کند تا کمتر در معرض آسیب باشم، اما هم چنان برای دو سال من را در همان محیط آلوده و مضر نگاه داشتند."

بیماری من ایدا مصری نیست، در واقع نوعی حساسیت پوستی است که در دو سال گذشته روز به روز پیشرفت کرد تا جایی که در یک سال گذشته، سوزش و خارش پوست بدنم، امانم را برید. در طول این یک سال، به پزشکان بسیاری مراجعه کردم تا جایی که در سه ماه گذشته از سر استیصال در مرخصی استعلاجی به سر بردم و در همه مدتی که در مرخصی پزشکی بودم، نگرانی از واکنش احتمالی کارفرمایان در آغاز سال جدید و احتمال عدم تمدید قرارداد، امکان استراحت و آسایش را از من سلب کرده بود.

حالا با داشتن سه فرزند و با وجود نه سال سابقه کار، بیکار شده ام و در حالی که هیچ منبع درآمدی دیگری ندارم، با وجود بیماری سنگین باید نگران آینده فرزندان نوجوانم باشم. این کارگر اخراجی این روزها مدام در حال مراجعه به اداره کار بوشهر است. با این امید که گشایشی حاصل شود و او بتواند حکم بازگشت به کار بگیرد.

آخرین جمله این کارگر این است: در تمامی سال هایی که به عنوان کارگر پیمانکاری در کارخانه سیمان کار کردم، برای معاش خانواده و تامین لقمه ای نان سلامتی خود را تاخت زدم، اگر واقعا قرار باشد به خاطر سال ها کار در محیط آلوده کارخانه سیمان و ساعت ها ایستادن در زیر ذرات غبار آهک، از کار اخراج شوم، نمی دانم که باید به کجا پناه ببرم؟

اعتراض کارگران معدن چشمه پودنه در مقابل استانداری کرمان!

صبح روز شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۵، بیش از ۷۰ کارگر معدن چشمه پودنه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، مقابل استانداری استان کرمان تجمع اعتراضی بر پا کردند. یکی از کارگران این معدن با اعلام این خبر اظهار داشت: معدن چشمه پودنه واقع در شهرستان کوهبنان از توابع استان کرمان است که با ادعای ناتوانی در پرداخت مزد کارگران و دیگر هزینه ها، از ابتدای دی ماه سال گذشته (۹۴) تعطیل شد. با تعطیلی معدن چشمه پودنه، ۲۵۷ کارگر این معدن که از شهریور تا دی ماه (۹۴) مزدی دریافت نکرده بودند هرکدام مبلغی معادل شش میلیون تومان با احتساب عیدی و پایان کار از کارفرمای خود طلبکار شدند. بر اساس این گزارش: در پی

۳۰۰ نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به قطع بیمه های درمانی، در فولادشهر تجمع اعتراضی بر پا کردند!



صبح روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، حدود ۳۰۰ نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به قطع بیمه های درمانی مقابل بیمارستان این مجموعه در فولادشهر تجمع کردند. خواسته اصلی شرکت کنندگان در این تجمع، برقراری مجدد بیمه درمانی حدود ۴۶ هزار نفر کارگر بازنشسته ذوب آهن می باشد. به گفته یکی از تجمع کنندگان: مدیرعامل ذوب آهن اصفهان از پرداخت حق بیمه بازنشستگان سر باز می زند و با این عمل خلاف قانون، حقوق بازنشستگان را زیر پا می گذارد. بر اساس این گزارش: مدیرعامل ذوب آهن اصفهان، یک هفته قبل نامه ای خطاب به صندوق بازنشستگی ایران مبنی بر قطع بیمه بازنشستگان این شرکت، ارسال کرده بود.

کارگران اخراجی فولاد زاگرس و تجمع برای اعتراض به بلاتکلیفی در مقابل فرمانداری قروه!



صبح روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، جمعی از کارگران اخراجی فولاد زاگرس در استان کردستان، در اعتراض به بلاتکلیفی حدود ۲۷۰ نفر از همکاران شان، در نتیجه تعطیلی این واحد تولیدی، مقابل ساختمان فرمانداری قروه تجمع کردند.

یکی از کارگران معترض که در این تجمع اعتراضی حضور داشت، با اعلام این خبر گفت: مشکلات کارگران فولاد زاگرس از ۱۸ تیر ماه سال ۹۲ زمانی آغاز شد، که مدیران وقت این واحد صنعتی به بهانه های مختلف، این واحد صنعتی را تعطیل اعلام کردند. و حدود ۲۷۰ نفر از کارگران کارخانه فولاد زاگرس قبل و بعد از تعطیلی کارخانه طی چند مرحله اخراج شدند. از مجموع کارگران بیکار شده

کارخانه فولاد زاگرس، هم اکنون ۱۶ کارگر در بخش نگهداری باقی مانده اند که هم چنان بلاتکلیف بوده و طی ۸ ماه گذشته، پرداخت دستمزد و بیمه آنان به تاخیر افتاده است. گزارش هم چنین افزود: در این فاصله سه ساله، کارگران برای بازگشایی کارخانه و بازگشت به کار، تجمعات متعددی را در مقابل نهادهای مختلف دولتی در استان کردستان برگزار کرده اند، که تا به امروز نتیجه ای نداشته است.

تجمع کارگران اخراجی سیمان آرتا در مقابل ساختمان کارخانه!

حدود ۳۰ نفر از کارگران اخراجی سیمان آرتا در استان اردبیل در اعتراض به اخراج و بیکارسازی کارگران این کارخانه، از ساعت ۶ صبح روز چهارشنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، مقابل ساختمان کارخانه تجمع اعتراضی بر پا داشتند. بر اساس این گزارش به نقل از کارگران معترض: این تجمع در اعتراض به مدیریت شرکت آرتا سیمان اردبیل، نسبت به اخراج تعدادی از کارگران ساکن روستا و جذب حدود ۳۰ کارگر جدید خارج از منطقه در این کارخانه، برپا شده است. در تدام این اعتراضات اهالی روستای گرده از توابع بخش مرکزی شهرستان نمین در استان اردبیل، برای دومین بار با تجمع در مقابل کارخانه سیمان اردبیل اعتراض خود را نسبت به جذب نیروی غیر بومی به مسئولان این کارخانه ابراز کردند. خبر این تجمع اعتراضی از سوی بسیج نیوز کبه تاریخ روز شنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، در سایت "کارگران کرمان" انعکاس یافت. "پایگاه خبری تحلیلی کارگران کرمان" در این رابطه نوشت: اهالی روستای گرده شهرستان نمین در چند هفته اخیر با تجمع در مقابل کارخانه سیمان اردبیل نسبت به جذب و بکارگیری نیروی غیربومی در این کارخانه اعتراض کردند. اهالی روستا از پیر و جوان گرفته تا زنان کهن سال با تجمع در مقابل باسکول کارخانه سیمان از بارگیری سیمان توسط ماشین ها خودداری کردند. این تجمع از ساعت ۶ صبح شروع شده و تا ۱۶ بعدازظهر ادامه داشت. در این گزارش هم چنین آمده است که: پیش از این نیز در روزهای پایانی سال ۹۴ نیز تجمعی انجام شده بود که معترضین پس از درگیری با نگهبانان به داخل راه یافته بودند.

تغییر شرایط کار، اعتراض ۲۵۰ کارگر نساجی مازندران را در پی داشت!

به گزارش ایلنا، صبح روز شنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، حدود ۲۵۰ نفر از کارگران نساجی مازندران در اعتراض به شرایط جدیدی که کارفرمای این واحد نساجی برای اشتغال آن ها در نظر گرفته است مقابل ساختمان فرمانداری قائم شهر تجمع کردند. کارگران معترض در خصوص برپایی این تجمع در نخستین روز بعد از اتمام تعطیلات نوروزی، می گویند: براساس بخشنامه ای که به

تازگی از سوی کارفرما منتشر شده است تمامی کارگرانی که از این پس در نساجی مازندران مشغول به کار شوند باید علاوه بر داشتن گواهی عدم سوء پیشینه و اعتیاد، به کارفرما سفته و تعهد کتبی نیز ارائه کنند. کارگرانی که در جریان تجمع امروز حضور داشتند، ادامه دادند: آن چه باعث نگرانی آن ها شده این است که در نهایت کارفرما با استفاده از این شیوه اداره کارخانه، می خواهد تعداد نامعلومی از کارگران باسابقه را تعدیل کند. بر اساس این گزارش مسئولان فرمانداری با این استدلال که مالکیت کارخانه به بخش خصوصی واگذار شده است، هنوز پاسخ روشن و صریحی به کارگران معترض نساجی مازندران نداده اند.

بیکاری و "استمداد" از نیروی انتظامی برای کنترل اوضاع!



به گزارش روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه سایت بازتاب بروجرد، به نقل از روابط عمومی فرمانداری این شهر؛ شهردار بروجرد، در جلسه بررسی و ساماندهی سد معبر بروجرد گفته است، "به دلیل نرخ بالای بیکاری در بروجرد نسبت به شهرهای دیگر، موج دست فروشی هم در شهر رواج پیدا کرده و شهرداری به تنهایی قادر به کنترل این اوضاع نبوده و در این راستا همکاری نیروی انتظامی و مسئولان قضایی مربوطه را می طلبد تا بتوان به مشکلات حادث شده سد معبر در شهر، فائق آمد. فرماندار بروجرد نیز گفت: مشکل سد معبر در بروجرد یک مشکل اساسی است و موجب نارضایتی مردم و همشهریان عزیزمان گردیده است. همه دستگاههای مسئول در شهرستان باید با همکاری یکدیگر موجبات آسایش و امنیت همشهریان را فراهم نمایند و مسئله مهم در این خصوص، بحث سد معبر می باشد.

دادستان بروجرد نیز به مسئله رعایت قانون برای همه کسانی که به نوعی در این شهر زندگی میکنند اشاره و گفتند: قانون نظام جمهوری اسلامی به طور مشخص در مورد هرج و مرج و بی قانونی و عدم رعایت حقوق شهروندی و تامین آسایش روانی مردم سخن به میان آورده و ما موظف به اجرای قانون برای هر شخص حقیقی و حقوقی در جهت فعالیت در چارچوب و مقررات وضع شده، هستیم. و هر کس موجبات ناراحتی، مزاحمت و ناهنجاری در شهر را فراهم نماید با توجه به قوانین موجود به شدت با وی برخورد خواهد شد.

کارفرما، مزدورانش را به جان ۲۰۰ کارگر معترض فاز ۱۹ عسلویه انداخت!



بامداد روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه‌های فاز ۱۹ عسلویه، به دلیل معوقات مزدی خود، تجمع اعتراضی برپا کردند. بر اساس این گزارش: کارگران پیمانکاری شاغل در فاز ۱۹ پارس جنوبی، با تجمع در محل ورودی این فاز، خواستار پرداخت معوقات ۵ ماهه دستمزد خود شدند. این گزارش می‌افزاید: هم زمان که تجمع ادامه داشته، شرکت مادر، بدون توجه به خواسته کارگران، از افراد قوی هیکل برای پراکنده ساختن تجمع کارگران استفاده کرده است. در ادامه تجمع اعتراضی روز شنبه، روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، بار دیگر بنا به اعلام کارگران، تجمع دیگری در مقابل در اصلی مجتمع، بر پا گردید. کارگران هم چنان در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی خود، معترض هستند. بر اساس این گزارش: با وجود اعتراضات پیاپی که از سال گذشته (۹۴)، آغاز شده است، کارفرما هیچ توجهی به خواسته معترضان نکرده است و به همین دلیل نیز آنان بامداد ۲۲ فروردین ۱۳۹۵ بار دیگر با استقرار در محل اصلی در ورودی، به تجمع اعتراضی خود را ادامه دادند.

یک رسانه محلی خبر از تداوم روزانه تجمعات اعتراضی کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه‌های فاز ۱۹ عسلویه، در روزهای پنجشنبه ۲۶، جمعه ۲۷ و یکشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۵ را داد و نوشت: برای کارگران مذکور، سال نو در حالی آغاز شد که حتی یک ریال از مطالبات مزدی به حساب شان واریز نشد و در عین حال پس از پیگیری‌های مجدد از زبان مسئولان پیمانکاری این طور به آن‌ها تفهیم شد که چنان چه خواستار ادامه فعالیت شغلی خود هستند باید تاخیرات مزدی را هم چنان تحمل کنند. و همین مسئله در نهایت باعث شکل گیری اعتراضات صنفی روزهای اخیر شد. این گزارش می‌افزاید: به دنبال برپایی اعتراضات اخیر در روزهای گذشته، در جلسه‌ای که با حضور نماینده کارگران، شرکت پیمانکار و شرکت مادر برگزار شد، مسئولین شرکت مادر اعلام کردند: تمامی صورت حساب‌های شرکت پیمانکار (بلند طبقه) بالغ بر ۲۰ میلیارد تومان را پرداخت کرده است و پیمانکار نیز قول داد تا تمامی مطالبات کارگران بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان را تا نیمه اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ پرداخت کند اما کارگران معترض از ترس تکرار بدحسابی کارفرما بر پرداخت هرچه زودتر مطالبات مزدی خود اصرار کردند.

کارگران فاز ۱۹ عسلویه روز دوشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، با اعلام این خبر، اظهار داشتند: طی جلسه‌ای که روز یکشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۵، با حضور کارفرما، نماینده کارگران معترض و مسئولان اداری منطقه ویژه عسلویه برگزار شده است، مقرر شد که تمامی معوقات مزدی کارگران تا روز چهارشنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، پرداخت شود. بر پایه این اطلاعات، کارگران پس از اطمینان از قطعی بودن پرداخت معوقات مزدی خود به تجمعات اعتراضی خود، پایان دادند.

ادامه تجمع اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در سال جدید (۹۵)!



صبح روز سه شنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۵، بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران نی‌بر مجتمع نیشکر هفت تپه، در اعتراض به تاخیر افتادن بخشی از مطالبات مزدی خود مانند مزد اسفند ماه سال ۹۴ و عیدی سال ۹۵ مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

صبح روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵، نیز جمعی از کارگران روز مزد مجتمع نی شکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه دستمزد و بیمه عقب افتاده خود در محوطه مجتمع تجمع کرده بودند. یکی از کارگران این مجتمع گفت: این مطالبات جدا از نگرانی‌هایی است که این روزها در میان آن‌ها از بابت تصمیم دولت برای خصوصی سازی مجموعه هفت‌تپه گرفته شده است. این کارگر می‌گوید: دو سوم از عیدی سال ۹۵ کارگران رسمی این مجتمع که در بخش صنعتی فعالند هنوز پرداخت نشده است. هم چنین به دلیل افزایش بدهی‌های مالی مجتمع نی شکر هفت تپه، حدود ۴۰ نفر از راننده های تریلی‌های حامل نیشکر طی روزهای گذشته با خاموش کردن خودروهای خود دست به اعتراض صنفی زده‌اند و از سوی دیگر حدود ۷۰ راننده وانت‌های باری استیجاری، هنوز بابت ۷ ماه معوقات مزدی خود طلبکارند.

صبح روز پنجشنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۵، بار دیگر شماری از کارگران مجتمع نی شکر هفت تپه، در واکنش به عملی نشدن وعده پرداخت حق پاداش و بهره برداری خود، در محوطه کارخانه تجمع کردند. در آخرین تجمعات کارگران مجتمع نی شکر هفت تپه که در روزهای پایانی سال گذشته انجام شد کارفرما وعده پرداخت مطالبات کارگران را حداکثر ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، داده بود.

دفاع وزیر کار از حداقل دستمزد

۸۱۲ هزار تومانی برای کارگران!

به گزارش روز پنجشنبه ۱۲ فروردین ماه آذوح؛ علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سه شنبه شب ۱۰ فروردین ماه، از حداقل دستمزد ماهانه ۸۱۲ هزار تومانی برای کارگران در سال جاری دفاع کرد و گفت: که سیاست به گفته او، «افزایش مزد یک باره» می‌تواند به توصیف وی، اقتصاد ایران را دچار شوک کرده، و تولید را دچار بحران کند. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: به گزارش خبرگزاری مهر، علی ربیعی سه شنبه شب در پاسخ به انتقادهای منتقدین را «غیر منصف» نامید و آنان را متهم کرد که چرا در زمانی که با تورم حدود ۳۰ درصد، دستمزدها ۹ درصد افزایش یافت، به گفته او، سخنی نمی‌گفتند اما اکنون آگاهانه یا ناآگاهانه توقعات انتظاری فزاینده در جامعه را دامن می‌زنند.

این اتهام در شرایطی از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی وارد شده است که بر اساس گزارش سایت های کارگری و نیز برخی از خبرگزاری های ایران، فعالین کارگری حداقل در ۱۰ سال گذشته بارها به دستمزدهای اعلام شده از سوی شورای عالی کار اعتراض کرده و خواستار تعیین دستمزدی شده بودند که به گفته آنها متناسب با یک زندگی شرافتمندانه باشد.

این فعالین، دستمزد سال گذشته، یعنی ۷۱۲ هزار تومان را پاسخگوی ۱۰ روز زندگی کارگران و خانواده های شان دانسته بودند.

در این ارتباط، در برخی گزارشات در مورد شرایط کار و زندگی کارگران آمده است که: در ۳۷ سال گذشته هزینه های پرداختی خانوار ها ۴۵۰ برابر شده است در حالیکه پرداختی های مزدی به صورت اسمی حداقل ۲۷۰ برابر شده است.

کارگران نی شکر هفت تپه بار دیگر در محوطه

کارخانه تجمع اعتراضی بر پا داشتند!

تعدادی از کارگران مجتمع نی شکر هفت تپه گزارش دادند که در تداوم تجمعات اعتراضی قبلی خود، صبح روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، دست کم حدود ۷۰۰ نفر از کارگران این واحد، مبادرت به یک تجمع اعتراضی نمودند. بر اساس این گزارش: در جریان این اجتماع صنفی کارگران معترض که از بخش‌های مختلف مجتمع نی شکر هفت‌تپه آمده بودند، علاوه بر پیگیری معوقات مزدی پرداخت نشده، بار دیگر نگرانی خود را از واگذاری مدیریت و مالکیت مجتمع نی شکر هفت‌تپه به بخش خصوصی اعلام کردند. در حال حاضر استمرار وضعیت نامعلوم کنونی، دغدغه‌های فکری کارگران بخش‌های مختلف نی شکر هفت تپه را تشدید کرده و باعث شده است تا کارگران نی‌بر و کارگران حمل و تخلیه نیز به کارگران معترض بپیوندند.

رشد بیکاری در استان خراسان رضوی!



بر اساس گزارشات مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در استان خراسان رضوی در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ افزایش ۲٫۵ درصدی داشته است. براساس این آمار، از لحاظ نرخ بیکاری خراسان رضوی پنجمین استان کشور است.

جان باختن یک کارگر افغان، بر اثر ریزش

دیواره چاه، در فشمِ شمیرانات!

به گزارش سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران، صبح روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه، یک کارگر چاه کن تبعه افغان در شهر فشمِ شمیرانات، در یک کارگاه ساختمانی در عمق ۶ متری مشغول حفر چاه بود، که به یکباره دیوار چاه تخریب و مقدار زیادی خاک روی این کارگر ریخته می شود. گزارش می افزاید؛ با تلاش چند ساعته آتش نشانان جسم این کارگر که جان خود را از دست داده بود، از درون چاه به بیرون کشیده شد و تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل شد.

هنوز حقوق و عیدی اسفند ماه ۹۴

رانندگان استیجاری پرداخت نشده است!



روز پنجشنبه ۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، یکی از رانندگان استیجاری که با خودروی خود در اجاره اداره کار استان خوزستان هست، در یک اطلاع رسانی اعلام داشت: بیش از ۴۰ راننده هستیم که هنوز با گذشت ۵ روز از سال ۹۵، مزد اسفند ۹۴ و عیدی به حساب مان واریز نشده است. وی افزود: کارفرما شرکت پیمانکار مدعی است که اداره کار استان خوزستان صورت وضعیت ۵ ماه را به شرکت پیمانکار نپرداخته است. وقتی اداره کار این گونه با رانندگان خود برخورد می کند، آن‌ها باید مشکل خود را از کدام مرجع قانونی پیگیری کنند؟

۴ ماه دستمزد و عیدی کارگران

کشتی سازی بهشهر، پرداخت نشده است!

بر اساس گزارشی از کارخانه کشتی سازی ایران صدرا بهشهر در استان مازندران به تاریخ روز یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، ۲۴۰ کارگر این کارخانه ۴ ماه دستمزد و عیدی خود را دریافت نکرده اند. این کارگران در توضیح این طلب وصول نشده خود می گویند: از آذر ماه سال ۹۴ تاکنون هیچ وجهی بابت مزد ماهانه و عیدی پایان سال دریافت نکرده‌اند و کارفرما دلیل این وضعیت را کمبود نقدینگی اعلام کرده است. پیش از این در این واحد صنعتی حدود ۱۸۰۰ کارگر کار می‌کردند که اکثر آنان تحت مسئولیت شرکت های پیمانکاری مشغول به کار بوده‌اند که با خروج تدریجی پیمانکاران بیشتر کارگران تعدیل شده‌اند.

در پی این تجمع اعتراضی روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۵ اعلام شد که به دنبال توافقی که روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۵، میان مسئولان مجتمع نی شکر هفت تپه با نمایندگان کارگران صورت گرفت، شب یکشنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۵، تجمعات اعتراضی این کارگران خاتمه یافت. به صورت مشخص گفته می‌شود در این مذاکرات اعضای کارفرمایی بخش خصوصی با نمایندگان کارگری در بخش صنعتی و کشاورزی مجتمع، به بحث و مذاکره پرداخته و در نهایت رضایت نمایندگان کارگری جلب گردیده است. در پی این اطلاعات آمده است: تمامی این اعتراضات کارگری، با هدف مشخص نبودن وضعیت شغلی کارگرانی که در بخش های مختلف مجتمع نی شکر هفت تپه فعالیت دارند، به همراه پرداخت نشدن حق بهره برداری سال ۹۳، و حقوق اسفند و عیدی سال ۹۴ کارگران، صورت گرفته است.

بر مبنای این توافق: علیرغم دریافت حدود ۸۰ درصد از عیدی سال ۹۵، صبح روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۵، پاداش بهره برداری سال ۹۳ کارگران که معادل یک ماه حقوق هر کارگر می شود به آنان پرداخت شده است. و قرار شد کارفرمای جدید ۴ ماه از ۸ ماه دستمزد معوقه راننده های استیجاری را به همراه ۲ ماه از ۶ ماه دستمزد معوقه کارگران روزمزدی را تا ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۵ به حساب آنان واریز نماید.

جان باختن کارگر کارواش بر اثر

برق گرفتگی در حین کار در جلفا!

بر اساس گزارش مسئول امداد و نجات منطقه آزاد ارس: ظهر روز چهارشنبه ۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، در یکی از کارواش‌های شهر جلفا یک کارگر در حین کار در یکی از کارواش‌های شهر جلفا، بر اثر برق گرفتگی و شدت و حدت آن، جان خود را از دست داد.

جان باختن یک کارگر مقنی ۲۲ ساله در

حین کار بر اثر گاز گرفتگی در شیراز!

بر اساس اعلام سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز: روز سه شنبه ۱۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، یک کارگر ۲۲ ساله افغان در داخل یک گاراژ، در هنگام کار و لایروبی چاهی به عمق حدود ۳۵ متر، بدون این که تجهیزات ایمنی در اختیارش قرار گرفته باشد، دچار گاز گرفتگی می‌شود. در این گزارش آمده است که: یکی از کارگرها نیز برای کمک به فرد گاز گرفته به داخل چاه رفته که به دلیل مشکل تنفسی، موفق به بیرون آوردن شخص نشده و از چاه خارج می‌شود. این گزارش در ادامه افزود: تیم چاهنورد آتش نشانی شیراز، پس از حضور در محل و ایمن سازی محل حادثه، بوسیله تجهیزات انفرادی و سیلندر هوای فشرده، به داخل چاه رفته و این کارگر مقنی را که جان خود را از دست داده بود، از داخل چاه بیرون و تحویل عوامل اورژانس دادند.

انفجار دیگ بخار و جان باختن

یک کارگر جوان در زنجان!

به گزارش سازمان آتش نشانی زنجان، ظهر روز جمعه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، در جریان انفجار دیگ بخار در کارخانه رویین طلا در شهرک تخصصی روی شهر زنجان، یک کارگر ۲۶ ساله جان خود را از دست داده و ۲ کارگر دیگر به شدت مصدوم شدند. گزارش در خاتمه، نقص فنی دیگ بخار را علت وقوع حادثه ذکر کرده است.

واحدها بیکار شده اند و فقط تعدادی از کارگران در بخش های نگهداری، حسابداری و مالی مشغول به کار هستند.

۲۶۰ کارگر شهرداری امیدیه

در استان خوزستان ۵ ماه دستمزد

دریافت نکرده اند!

روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگران شهرداری امیدیه گزارش دادند که ۵ ماه حقوق بیش از ۲۶۰ کارگر که در شهرداری امیدیه و سازمان های وابسته به آن، به صورت پیمانی و قراردادی مشغول به کار هستند، هنوز پرداخت نشده است. علاوه بر این، حدود ۲۰۰ نفر از کارگران خواهان پرداخت عیدی سال ۹۵ می باشند. این کارگران که دارای سوابق ۸ تا ۱۰ سال هستند، می گویند: مدتی است که هر ماه حقوق می گیرند مربوط به معوقات مزدی ۵ ماه گذشته است. به عنوان مثال آخرین حقوقی که کارگران شهرداری امیدیه دریافت کرده اند، حقوق آذر ماه بوده که در اسفند ماه سال ۹۴ پرداخت شده است.

جان باختن یک کارگر بر اثر سقوط

بیل لودر در معدنی در محلات!

فرماندار شهرستان محلات از حادثه سقوط بیل لودر یک معدن، به دلیل عوامل فنی در روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۵، خبر داد و اعلام کرد: در این حادثه یکی از کارگران معدن، جان خود را از دست داد و کارگر مصدوم نیز برای درمان بیشتر به مرکز درمانی اعزام شد. در این گزارش به نقل از فرماندار محلات آمده است که کارشناسان مربوطه در حال بررسی جوانب این حادثه هستند تا مقصر یا مقصرین این حادثه را شناسایی کنند.

کارگران سدید ریخته گر در مقابل درب

ورودی این کارخانه در شهرستان اسلام شهر

دست به تجمع زدند!

صبح روز شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۵، جمعی از کارگران سدید ریخته گر در اعتراض به تعویق ۱۲ ماه حقوق و مشخص نشدن وضعیت شغلی شان در یک سال گذشته مقابل درب ورودی کارخانه در شهرستان اسلام شهر، تجمع کردند. بر اساس این گزارش: کارفرمای کارخانه سدید ریخته گر، در خرداد و شهریور ماه سال ۹۴، از مجموع ۱۰۴ کارگر این کارخانه تعداد حدود ۶۰ کارگر را به بهانه های مختلف اخراج کرده است و در حال حاضر تعداد کارگران شاغل در این واحد به ۴۴ نفر رسیده است. گزارش می افزاید: کارگران سدید ریخته گر در این تجمع اعتراضی خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند. هم چنین پرداخت حداقل بخشی از مطالبات یکسال گذشته شان از دیگر مطالبات کارگران عنوان شده است.

میانگین ۱۵ سال سابقه کار، هم اکنون بیکار شده اند. بر اساس این گزارش: کارفرما پیش از اخراج کارگران از اول آبان ماه اعلام ورشکستگی کرده و اعلام کرده بود دیگر توان ادامه تولید را ندارد. اما کارگران می گویند: کارخانه ستبر گرانول پیش از تعطیلی توان تولید روزانه ۷۲۰ و سالانه ۲۵۰۰۰۰ تن گرانول بدنه کاشی را داشت.

اخراج ۱۵۰ کارگر قراردادی شرکت

معدنی زغال سنگ معدن جو در طبس!

بر اساس گزارشی از معدن زغال سنگ معدن جو در شهرستان طبس به تاریخ روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵، ۱۵۰ کارگر قراردادی این معدن، از ابتدای سال جاری تاکنون به دلیل اتمام قراردادهای کار کارگران معدنی، از کار اخراج شده اند. در این گزارش به نقل از کارگران آمده است که از مجموع حدود هزار و صد کارگر این واحد معدنی، تعداد ۱۸۰ کارگر در دی ماه و ۱۰۰ کارگر دیگر در اسفند ماه سال ۹۴ تعدیل شده بودند. اما به تازگی (اول فروردین ماه ۹۵) نزدیک به ۱۵۰ کارگر دیگر نیز که بین ۲ تا ۱۴ سال سابقه کاری دارند به جمع تعدیلی ها اضافه شده اند. کارگران معدن جو در خاتمه درباره تعدیلی های گسترده همکاران شان در چهار ماه گذشته گفتند: کارفرما مدعی است این واحد معدنی در زمینه دریافت مطالبات مالی خود، از خریداران زغال سنگ، دچار مشکل شده است و به همین دلیل برای کاهش هزینه های جاری معدن ناچار است، کارگران مازاد خود را اخراج کند.

عدم دریافت ۳ ماه معوقات مزدی

توسط کارگران کارخانه

سپهر اطلس نگین نیشابور!

روز پنجشنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۵، کارگران اخراجی این واحد صنعتی در یک اطلاع رسانی اعلام کردند: پس از گذشت ۳ ماه از اعلام توقف فعالیت کارخانه سپهر اطلس نگین در نیشابور، هنوز وضعیت ۱۵ کارگر بیکار شده این کارخانه، نامعلوم است. در حالی که آن ها بابت ۶ ماه مزایای مزدی معوقه و ۳ ماه بیمه هنوز طلبکارند. به گفته این کارگران وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که بیشتر کارگران این کارخانه که زمانی به بیش از ۳۵ نفر می رسید، به مرور تعدیل شده اند.

اخراج ۱۲۰۰ کارگر با سابقه در پی تعطیلی

۳ واحد نساجی قدیمی در مشهد!

روز جمعه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۵، از کارخانجات نساجی مشهد گزارش داده شد که در پی تعطیلی ۳ واحد نساجی با ۴۰ سال سابقه فعالیت در مشهد، ۱۲۰۰ کارگر با سابقه بیکار شده اند. بنا به این گزارش: این واحدها از روز جمعه ۲۸ اسفند ماه ۹۴ تعطیل و ۱۲۰۰ نفر از کارگران این

اخراج ۵۲ کارگر کارخانه فولاد لوشان

در روزهای آغازین سال ۹۵!

کارگران کارخانه فولاد لوشان با اعلام این خبر در روز شنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۹۵ گفتند: تا پیش از شروع سال ۹۵ حدود ۲۴۰ کارگر بودیم، اما ظاهراً مدیریت در آغاز سال جدید تصمیم به اخراج ۵۲ کارگر این واحد صنعتی گرفته است. تعدیل شدگان از کارگرانی هستند که هر یک تا نزدیک به ۵ سال سابقه کاری دارند و قرارداد کاری آن ها پیش از شروع سال جدید (۹۵) خاتمه یافته است.

۳۳ درصد از واحدهای صنعتی سمنان

تعطیل هستند!

به گزارش ایسنا، استاندار سمنان، پیش از ظهر یکشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۵، در نخستین نشست شورای اداری استان سمنان به تعطیلی ۳۳ درصد از واحدهای صنعتی این استان اشاره کرد و گفت: آمار صحیح واحدهای تولیدی و صنعتی استان سمنان، یک هزار و ۷۹۲ واحد که از این بین بیش از ۶۲۱ واحد به علت مشکلات اقتصادی تعطیل شده اند و بقیه نیز با متوسط ظرفیت ۳۷ درصد فعالیت می کنند.

کارگران معدن زغال سنگ البرز شرقی دو

ماه حقوق و عیدی دریافت نکرده اند!

یکی از کارگران البرز شرقی روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵، با اعلام این خبر اظهار داشت: با گذشت ۱۶ روز از سال جدید (۹۵)، هنوز بابت باقیمانده مطالبات مزدی و بیمه ای مربوط به سال ۹۴ و عیدی سال ۹۵، پرداختی به ما نشده است. وی افزود: پیش از این کارگران از مجموع چهار و نیم ماه معوقات مزدی خود، معادل دو ماه و نیم را دریافت کرده اند و در عین حال کارفرمای این واحد معدنی به کارگران وعده پرداخت مابقی دستمزد را تا پایان سال گذشته (۹۴) داده بود که هنوز عملی نشده است. بر اساس این گزارش: این کارگران که شمار آن ها بیش از هزار و ۴۰۰ نفر است، در توضیح مابقی مطالبات خود می گویند: در حال حاضر آن ها به غیر از دو ماه معوقات مزدی مربوط به بهمن و اسفند ماه سال ۹۴ و عیدی سال ۹۵، بابت ۱۶ ماه حق بیمه نیز از کارفرما طلبکارند.

اخراج ۶۰ کارگر در پی تعطیلی

کارخانه ستبر گرانول در ناکستان!

یکی از کارگران این واحد تولیدی، روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵، با اعلام این خبر اظهار داشت: کارخانه ستبر گرانول که در زمینه تولید انواع گرانول کاشی کف، دیواره، پرسلان و گرانیت در شهرستان ناکستان فعالیت دارد، از اول اسفند ماه سال ۹۴ به دلیل رکود بازار مواد اولیه کاشی تعطیل شده و تمامی کارگران آن با

**برای آشنایی با دیدگاه ها و
تحلیل های چریکهای فدائی
خلق ایران از سایت های زیر
دیدن کنید:**

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

**برای تماس با چریکهای فدائی خلق
ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایند:**

BM BOX 5051

LONDON

WC1N 3XX

آدرس پست الکترونیکی:

E-Mail:

ipfg@hotmail.com



چریکهای فدائی خلق ایران



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آنها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی آنها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتل پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کس نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی ست تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است "

(فردریک انگلس "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!